



Journal Website

Article history:

Received 09 January 2024

Accepted 20 April 2024

Published online 21 May 2024

Journal of Psychological Dynamics in Mood Disorders

Volume 3, Issue 1, pp 01-11



E-ISSN: 2981-1759

Examining and Comparing Perceived Parenting Styles with Intimacy and Forgiveness in University Students

Habibollah Kord^{1*}, Elham Bameri^{2*}, Azaizollah Kord³, Hajar Kord⁴

¹ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

² MA, Department of Educational Research, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Mathematics Education, Farhangian University, Tehran, Iran

⁴ MA, Department of Educational Management, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran.

* Corresponding author email address: h.kord@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Kord, H., Bameri, E., Kord, A., & Kord, H. (2024). Examining and Comparing Perceived Parenting Styles with Intimacy and Forgiveness in University Students. *Journal of Psychological Dynamics in Mood Disorders*, 3(1), 01-11.



© 2024 the authors. Published by Maher Talent and Intelligence Testing Institute, Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

ABSTRACT

Background and Objective: The present study aimed to examine and compare perceived parenting styles with intimacy and forgiveness in university students.

Methods and Materials: The research method was descriptive and correlational. The statistical population consisted of university students, from which 400 students were selected using a cluster random sampling method. The tools used in this study were the Parenting Styles Questionnaire, Miller Social Intimacy Scale, and the Heartland Forgiveness Scale. Results from correlation and stepwise regression tests showed a significant relationship between students' intimacy and their parents' authoritative parenting style.

Findings: The results indicated that none of the parenting styles—authoritative, authoritarian, permissive, and neglectful—had a significant relationship with students' forgiveness.

Conclusion: Therefore, considering the findings of this research, which showed that the perceived authoritative parenting style significantly contributes to the development of intimacy, it is recommended that parents adopt democratic and authoritative parenting styles, considering their children's perceptions and understanding, to foster positive personality traits such as intimacy in their children.

Keywords: Parenting styles, Intimacy, Forgiveness, University students.



بررسی و مقایسه شیوه‌های تربیتی ادراک شده والدین با صمیمیت و بخشودگی دانشجویان

حبیب الله کرد^{۱*}، الهام بامری^{۲*}، عزیز الله کرد^{۳*}، هاجر کرد^{۴*}

۱. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. کارشناسی ارشد، گروه تحقیقات آموزشی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۳. استادیار، گروه آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
۴. کارشناسی ارشد، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: h.kord@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله

پژوهشی اصیل

نحوه استناد به این مقاله:

کرد، حبیب الله، بامری، الهام، کرد، عزیز الله، و هاجر. (۱۴۰۳). بررسی و مقایسه شیوه‌های تربیتی ادراک شده والدین با صمیمیت و بخشودگی دانشجویان. *پویایی‌های روانشناختی در اختلال‌های خلقی*، ۳(۱)، ۱۱-۰۱.



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

مقدمه

زمینه و هدف: عدم درمان افسردگی با اختلال در عملکرد تحصیلی، افزایش شدت افسردگی، سردردهای میگرنی، سوء مصرف الکل و مواد، استرس زیاد، حمایت اجتماعی پایین، احساس حقارت در مدرسه، احساس پوچی و بی‌ارزشی، نشانه‌های جسمانی و کشمکش با والدین و خطر خودکشی، بار اقتصادی هنگفت برای دولت‌ها همراه خواهد بود بنابراین دستیابی به راه‌های مؤثر جهت درمان این بیماری بیش از پیش ضروری می‌نماید. لذا این مطالعه با هدف اثر بخشی رفتار درمانی گفتگویی بر میزان نگرانی از تصویر بدنی زنان دارای نشانگان افسردگی در سال ۱۴۰۲ انجام شد.

روش و مواد: این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی، به لحاظ جمع‌آوری داده‌ها از جمله مطالعات کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، کمی (پرسشنامه) و مبتنی بر رویکرد تجربی و آزمایشی با استفاده از تحلیل واریانس بوده است. یافته‌ها: یافته‌های آماری حاکی از آن است که رفتار درمانی گفتگویی حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (افسردگی و نگرانی از تصویر بدنی) میانگین گروه آزمایشی را نسبت به گروه کنترل در مرحله پس از آزمون افزایش داده است و بین دو گروه پژوهش در ترکیب خطی متغیرهای افسردگی و نگرانی از تصویر بدنی در مرحله پس از آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های آماری بیانگر آن است که بین زنان دارای نشانگان افسردگی گروه آزمایشی و گروه کنترل از لحاظ متغیر افسردگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. علاوه بر این یافته‌ها نشان داد که بین زنان دارای نشانگان افسردگی گروه آزمایشی و گروه کنترل از لحاظ متغیر نگرانی از تصویر بدنی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتیجه‌گیری: علاوه بر یافته‌های ذکر شده مهم‌ترین نتیجه مطالعه حاضر این بود که مشخص شد تاثیر مداخله رفتار درمانی گفتگویی بر افسردگی و نگرانی از تصویر بدنی به ترتیب ۵۳ درصد و ۴۷ درصد است که این میزان تاثیرگذاری، مثبت و بالا می‌باشد.

کلیدواژگان: رفتار درمانی گفتگویی، نگرانی، نشانگان افسردگی، تصویر بدنی.



خانواده مهمترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی است و وظیفه جامعه پذیری و تربیت نسل‌های آینده را در سال‌های نخستین زندگی کودک بر عهده دارد (Parsakia et al., 2023; Saadati & Parsakia, 2023). روابط میان اعضای خانواده یکی از عوامل تأثیرگذار بر میزان ادراک افراد از بهزیستی است (Yang & McDonnell, 2024; Zhou et al., 2024). خانواده به عنوان یک سیستم اجتماعی شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج، تولید مثل و پرورش فرزندان باهم زندگی می‌کنند. این سیستم و سازمان اجتماعی در طول تاریخ، نقشی حیاتی برای رشد و پیشرفت اجتماعی شدن نوع انسان بازی کرده است. خانواده بدون شک مهمترین سازمانی است که بستر ساز رشد و رفاه جسمی، روانی و اجتماعی وی به تعادل (فیزیکی، روانی و اجتماعی) است (Bilač et al., 2024; Samari et al., 2023; Vafaeinezhad et al., 2023). رابطه والد فرزندی یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. رابطه والدین و فرزندان نخستین معرف دنیای ارتباطات برای کودک می‌باشد که احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد (Herawati et al., 2024; Russell & Yang, 2024). سبک فرزندپروری به عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها نسبت به کودک در نظر گرفته می‌شود که منجر به ایجاد جو هیجانی می‌گردد که رفتارهای والدین در آن جو بروز می‌نمایند. این رفتارها در برگیرنده هم رفتارهای مشخص (رفتارهایی که در جهت هدف والدین است) که از طریق آن رفتارها، والدین به وظایف والدینی خود عمل می‌کنند و هم رفتارهای غیر مرتبط با هدف والدینی مانند ژست‌ها، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های غیر ارادی می‌باشد (Bilač et al., 2024; Shokoohi Yekta & Motamed Yeganeh, 2024). سبک‌های فرزندپروری ادراک شده به ادراک فرزند از رفتارهای فرزندپروری در ابعاد طرد - پذیرش و کنترل - استقلال عمل اطلاق می‌شود که معمولاً این رفتارها به صورت تمایلات والدین برای بیان عاطفه، حمایت، ارزیابی مثبت یا منفی از عملکردش و دادن و یا گرفتن استقلال عمل اطلاق می‌شود (Gimenez-Serrano et al., 2022; Malek et al., 2022). همانگونه که تحقیق کشری بهرا و بارمولا (۲۰۲۱) نشان داد توانمندی خانواده با سرمایه روان‌شناختی همبستگی دارد. سرمایه روان‌شناختی یک حالت روان‌شناختی مثبت است که رویکردی واقع‌بینانه و انعطاف‌پذیر به زندگی ارائه می‌دهد که از چهار ساختار امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی تشکیل شده است (Khoshrroo et al., 2023). شیوه‌های فرزند پروری چهارچوب مهمی است که پیش‌بینی کننده روابط صمیمانه در بزرگسالی است. روان‌شناسان از دهه ۱۹۲۰ به بعد علاقمند به تحقیق در زمینه شیوه‌های فرزندپروری بودند. یکی از نیرومندترین رویکردها در این زمینه، مطالعه‌ای بود که توسط بامریند در سال ۱۹۶۰ در این زمینه انجام گرفت (Baumrind, 1991). او معتقد بود که شیوه‌های فرزندپروری از دو بعد تشکیل شده است: درخواست‌کنندگی والدین (کنترل) و پاسخ‌دهندگی والدین (گرمی یا پذیرش). بامریند از ترکیب این دو عنصر سه شیوه فرزندپروری بوجود آورد که عبارتند از شیوه فرزندپروری مقتدر (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی بالا)، شیوه فرزندپروری مستبد (درخواست‌کنندگی بالا و پاسخ‌دهندگی پایین) و شیوه فرزندپروری آزادگذار (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی بالا). در سال ۱۹۸۳ بامریند شیوه چهارمی به نام شیوه فرزند پروری بی‌توجه یا مسامحه کار (درخواست‌کنندگی پایین و پاسخ‌دهندگی پایین) را اضافه کرد (Lisa & Green, 2012). در چند دهه اخیر، ایجاد و پرورش مهارت‌های یادگیری خودتنظیمی در جوانان به یکی از اهداف آموزشی تبدیل شده است (Assad Zadeh et al., 2018).

صمیمیت الگوی رفتاری مهمی است که دارای جنبه‌های عاطفی هیجانی و اجتماعی است و روابط مبتنی بر پذیرش و رضایت خاطر و عشق را در بر می‌گیرد. مطالعه‌ها و تجارب بالینی نشان داده‌اند که در جامعه معاصر، افراد و زوجها مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضای انتظارات و نیازهای یکدیگر تجربه می‌کنند. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روانی و تجارب سالم اولیه به داشتن نگرش‌های منطقی و کسب مهارت‌ها و انجام وظایف خاصی نیاز دارد (Navabinejad et al., 2024; Parsakia et al., 2023; Parsakia & Rostami, 2023). روان‌شناسان صمیمیت را توانایی



برقراری ارتباط بدون کنترل با دیگری و بیان عواطف بدون بازداری تعریف می‌کنند. در مدل سه وجهی از عشق نیز، صمیمیت، احساس نزدیکی با دیگری تعریف شده است و بر اساس این مدل، مشارکت عادلانه در زندگی خانوادگی صمیمیت را به دنبال خواهد داشت (Rakhshandeh et al., 2021; Rashidi et al., 2022).

لغزش و خطا از جنبه‌های گریز ناپذیر روابط بین فردی است. با توجه به نقش مهم روابط بین فردی در شکل‌گیری هویت فرد، اهمیت درک فرآیند بخشودگی و نقش آن در حفظ روابط بارز می‌شود. بخشودگی اغلب به عنوان کاهش هیجان‌های منفی و برقراری مجدد هیجان‌های مثبت نسبت به فرد خاطی تعریف می‌شود (Monika et al., 2023; Najari et al., 2023). از سوی دیگر بخشودگی تنها ایجاد احساس مثبت نیست بلکه تسکین رنج روان شناختی از خطای بین فردی است. مشخص شده است که بخشودگی باعث کاهش انگیزه‌های خشم و انتقام نسبت به فرد خاطی می‌شود (ÇELİK et al., 2022). بخشودگی فرآیندی است که در آن رفتار، افکار و عواطف منفی کاهش می‌یابد که این امر از طریق احساسات مثبت از قبیل رحم، همدلی، احترام، برابری اخلاقی، آشتی مجدد و در عین حال کاهش انگیزه فرد بخشنده برای تلافی و جبران است (Ariapooran, 2021; Khojastehmehr et al., 2020).

مینوت و همکاران (۲۰۱۰) گزارش نمود در رضایت زناشویی، صمیمیت یکی از مؤلفه‌های مهم آن است که بر روی سایر نقش‌های زوجین مانند نقش والدینی و نقش کاری تاثیر گذار است (Minnotte et al., 2010). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌شود (Abdullah & Clauser et al., 2020; Auremma et al., 2021; Salim, 2020). علاوه بر این پژوهش‌های متعددی نشان داده است که فرزندپروری مستبدانه با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سخت‌گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌شو و همچنین، فرزندپروری مقتدرانه همبستگی با دلبستگی ایمن و صمیمیت عاطفی دارد و فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه نیز همبستگی مثبتی با دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا دارد (Charalampous et al., 2018; D'Rozario & Pilkington, 2022; Malek et al., 2022; Tussey et al., 2021).

از آن جایی که در تحقیقات قبلی بیشتر ادراک والدین از شیوه‌های فرزندپروری و رابطه آن با مواردی چون مکان کنترل، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت مورد بررسی قرار گرفته است و به تاثیر این شیوه‌ها روی شخصیت کمتر پرداخته شده است همچنین شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده توسط فرزندان با والدین تفاوت دارد، در این تحقیق بررسی شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده توسط فرزندان و رابطه آن با صمیمیت و بخشودگی مورد نظر است. علاوه بر این منطقه مورد پژوهش که جامعه آماری از آن انتخاب شده از جمله مناطقی است که به یقین می‌توان گفت تا کنون پژوهشی با این موضوع در زمینه‌های مختلف روان شناختی و آموزشی و تربیتی در آن انجام نگرفته است. همچنین به منظور پیشگیری از مشکلات و ناسازگاری‌های رفتاری و اخلاقی بعدی می‌توان از نتایج آن استفاده کرد و به خانواده‌ها نشان داد که برای جلوگیری از مشکلات رفتاری کودک و برای ایجاد صفات شخصیتی مناسب از کدام شیوه‌های تربیتی بهره بگیرند. بنابراین این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال اساسی است که آیا بین شیوه‌های تربیتی ادراک شده والدین با بخشودگی و صمیمیت دانشجویان تفاوت وجود دارد؟

مواد و روش پژوهش



در این پژوهش، از روش توصیفی تحلیلی از نوع علی - مقایسه‌ای است. در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقاطع مختلف دانشگاه سیستان و بلوچستان که در رشته‌های مختلف آموزشی در این دانشگاه مشغول به تحصیل می‌باشند که تعداد آن‌ها ۱۷۷۵۰ بوده است. از آنجا که جامعه‌ی پژوهش از طبقات مختلف (جنسیت، رشته‌های تحصیلی در دانشکده‌های متفاوت و مقاطع مختلف) تشکیل شده بود. برای نمونه گیری از روش تصادفی خوشه‌ای بر اساس جنسیت (مذکر و مونث) استفاده گردید و پس از آن چند خوابگاه پسرانه و چند خوابگاه دخترانه انتخاب شدند چون تعداد سوالات پرسشنامه‌ها زیاد بود ترجیح داده شد که پرسشنامه‌ها در خوابگاه پخش شود تا با دقت و وقت بیشتری پاسخ داده شوند.

بر اساس جدول مورگان ۳۷۵ نفر از مجموع دانشجویان مشغول به تحصیل در دانشگاه تعیین گردید که برای رهایی از افت آزمودنی‌ها در نهایت ۴۰۰ پرسشنامه (۲۳۰ مرد و ۱۷۰ زن) برای تجزیه و تحلیل انتخاب شد. در پژوهش حاضر پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی خوشه‌ای بین دانشجویان ساکن در خوابگاه پخش شد. به این صورت که ابتدا اسامی و شماره‌های خوابگاه‌ها روی کاغذهای جداگانه نوشته شد و از بین آن‌ها هفت خوابگاه (۴ خوابگاه پسرانه و ۳ خوابگاه دخترانه) برای پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها از ابزارهای سنجش زیر استفاده شد.

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: این پرسشنامه بر اساس نظر زیگلن و شیفر توسط نقاشان در شیراز طراحی شد است. طراحی شده است که روشهای ارتباطی والدین و فرزندان را به چهار شیوه تقسیم می‌کند. (۱) والدین مقتدر (۲) والدین مستبد (۳) والدین سهل گیر (۴) والدین مسامحه گر یا بی‌اعتنا. این پرسشنامه دارای ۷۷ سوال (ماده) می‌باشد که هر مورد آن دارای یک مقیاس پنج گزینه از خیلی موافقم تا خیلی مخالفم می‌باشد. این پرسشنامه توسط فرزندان تکمیل می‌شود. آن‌ها باید به سوال‌هایی شبیه به این پاسخ دهند که "من اجازه دارم هر وقت که دلم خواست از منزل بیرون بروم". در بررسی اعتبار، آلفای این پرسشنامه در این پژوهش در سبک فرزند پروری مقتدر ۰/۸۸؛ سهل گیر ۰/۶۲؛ با حذف سوالات ۷، ۱۳، ۱۰، ۱۱، ۱۲؛ مستبد ۰/۷۷ و بی‌اعتنا ۰/۹۲؛ همچنین برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد. ضریب پایایی برای کل پرسشنامه بنا به گزارش نقاشیان ۰/۹۲ و ۰/۸۳ بوده است.

پرسشنامه صمیمیت اجتماعی میلر: این مقیاس با ۱۷ عبارت (عبارات ۴ تا ۲۰) برای سنجش میزان نزدیکی و صمیمیت فرد با دیگر افراد توسط میلر و لفکورت در سال ۱۹۸۲ طراحی شده است. مقیاس صمیمیت اجتماعی بر اساس یافته‌های مطالعات متعددی شکل گرفته است که نشان می‌دهد صمیمیت یکی از پیش‌بینی کننده‌های مهم سلامت عملکرد جسمی و روانی است. بویژه در رابطه با ازدواج، روابط با دیگران، مصیبت‌ها و واکنش به استرس. مجموع عبارات اولیه شامل ۳۰ گزینه از طریق مصاحبه‌هایی کامل با دانش‌آموختگان دانشگاه بدست آمد. آزمون‌های بعدی ۱۷ عبارت حاضر را به دست داد که ۶ مورد آن مربوط به بعد فراوانی (۴-۵-۶-۷-۸-۹) و ۱۱ مورد مربوط به سنجش بعد شدت صمیمیت (۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰) است. این مقیاس طوری طراحی شده که امکان برآورد صمیمیت در بافت رابطه دوستانه یا ازدواج را فراهم می‌آورد. ابزار اولیه که بر اساس یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای نمره داده می‌شد، اصلاح شد و با مقیاسی ۵ درجه‌ای در اینجا ارائه شده است. (الف=۵، ب=۴، ج=۳، د=۲، ه=۱) عبارات ۱، ۲، ۳، ۲۱ و ۲۲ نمره‌گذاری نشده‌اند. گزینه‌های ۵ و ۱۷ نمره معکوس دارند. نمرات بالاتر نشان دهنده صمیمیت بیشتر خواهند بود. اعتبار درونی این مقیاس بسیار بالاست، میلر و لفکورت (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ را در اجراهای مختلف ۰/۸۶ تا ۰/۹۱ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب پایایی به روش آزمون مجدد به فاصله زمانی بیش از دو ماه را ۰/۸۴ و با فاصله زمانی بیش از یک ماه ۰/۹۶ گزارش کرده‌اند. آلفا برای پرسشنامه در این پژوهش صمیمیت در بعد فراوانی صمیمیت ۰/۵۶ و در بعد شدت آن ۰/۶۴ و در کل پرسشنامه ۰/۷۴ به دست آمد. مقیاس صمیمیت اجتماعی دارای ثبات بالایی نیز هست. و سازنده‌ی آن پایایی را ۰/۸۶ گزارش کرده است.



مقیاس بخشودگی هارتلند: مقیاس بخشودگی هارتلند یک ابزار ۱۸ آیتمی خود سنجی است که برای سنجش تمایل شخص به بخشودگی خود، دیگران و موقعیت فراتر از کنترل می‌باشد. با کاغذ و مداد یا کامپیوتر تکمیل می‌گردد. مقیاس بخشودگی شامل سه خرده مقیاس (بخشودگی خود (۶ آیتم)، بخشودگی دیگران (۶ آیتم) بخشودگی موقعیت (۶ آیتم) می‌باشد (ایورسون، ۲۰۱۰). آیتم‌های ۶ تا ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۹، ۷، ۴، ۲ و ۱۷ به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. نمره زیر مقیاس خود بخشودگی از طریق جمع نمرات آیتم‌های ۱ تا ۶ محاسبه می‌شود. نمره زیر مقیاس دگر بخشودگی از طریق جمع نمرات آیتم‌های ۷ تا ۱۲ محاسبه می‌شود. نمره زیر مقیاس بخشودگی موقعیت از طریق جمع نمرات آیتم‌های ۱۳ تا ۱۸ محاسبه می‌شود. نمره کل مقیاس بخشودگی از جمع تمام نمرات ۱۸ آیتم محاسبه می‌شود (ایورسون، ۲۰۱۰). کوهن و کوهن (۱۹۸۳) بر اساس نتایج به دست آمده آلفای کرونباخ مقیاس بخشودگی را قابل پذیرش گزارش نمود. همبستگی مقیاس بخشودگی کلی، خرده مقیاس‌های خود، دیگران و موقعیت با فاصله سه هفته ۸۳ درصد، ۷۲ درصد، ۷۳ درصد، و ۷۷ درصد به دست آمد که در باز آزمایی پایایی قابل پذیرش بود. برای آزمون اعتبار همگرایی مقیاس بخشودگی، ضرایب همبستگی بین مقیاس بخشودگی و ابزارهای دیگر محاسبه گردید. در تعداد زیادی از ضرایب همبستگی سطح آلفای کرونباخ $P < 0.001$ برآورد شده است. در این پژوهش با روش آلفای کرونباخ اعتبار کل ۰/۸۱ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات در دوسطح توصیفی (میانگین، میانه، انحراف استاندارد) و در سطح استنباطی از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام و نیز آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار spss16 مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات توصیفی نشان داد که در متغیر سن بیشترین درصد در بین آزمودنی‌ها مربوط به گروه سنی ۱۸۲۳ سال ۷۲/۶ درصد؛ در متغیر تحصیلات بیشترین درصد در بین آزمودنی‌ها مربوط به گروه تحصیلی لیسانس ۷۲/۶ درصد؛ در متغیر تأهل بیشترین درصد در بین آزمودنی‌ها مربوط به گروه مجرد ۷۵/۸ درصد و در متغیر جنسیت بیشترین درصد در بین آزمودنی‌ها مربوط به گروه مردان ۵۷/۴ درصد بوده است. همچنین تفاوت بین شیوه‌های تربیتی والدین، صمیمیت و بخشودگی دانشجویان دختر و پسر بررسی شده است که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱

مقایسه دختران و پسران در متغیرهای تحقیق

متغیرها	پسران	دختران		T	sig
		میانگین (انحراف استاندارد)	میانگین (انحراف استاندارد)		
بخشودگی	۶۲/۹۲ (۷/۶۸)	۶۴/۶۷ (۱۰/۱۵)	-۲/۴۸	**	۰/۰۰۱
صمیمیت	۷۱/۰۸ (۷/۱۰)	۷۲/۸۶ (۷/۰۶)	-۱/۹۶	*	۰/۰۵
سبک فرزندپروری مقتدر	۹۹/۴۲ (۱۳/۶۱)	۹۸/۶۴ (۱۴/۱۷)	۰/۵۵		۰/۵
سبک فرزندپروری سهل گیر	۲۵/۶۳ (۵/۵۵)	۲۸/۰۲ (۴/۷۸)	-۴/۵۰	**	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری مستبد	۸۸/۰۱ (۱۱/۴۷)	۸۷/۷۵ (۱۱/۸۵)	۰/۲۲		۰/۸
سبک فرزندپروری بی‌اعتنا	۳۴/۵۱ (۸/۰۱)	۳۴/۳۴ (۸/۵۲)	۰/۲۰		۰/۸



جدول ۱ نتایج نشان می‌دهد تفاوت معناداری در متغیرهای بخشودگی و صمیمیت در بین دو گروه از دختران و پسران وجود دارد. یعنی به ترتیب میانگین نمره بخشودگی و صمیمیت در گروه دختران ۶۴/۶۷ و ۷۲/۸۶ است که بالاتر از نمره گروه پسران است. همچنین تفاوت معناداری در سبک فرزند پروری سهل گیر بین دو گروه از دختران و پسران وجود دارد. یعنی میانگین نمره سبک فرزند پروری سهل گیر در گروه دختران (۲۸/۰۲) بالاتر از گروه پسران است. با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون گام به گام رابطه بین شیوه‌های تربیتی والدین و صمیمیت دانشجویان بررسی شد که نتایج آن در ادامه آمده است.

جدول ۲

همبستگی بین صمیمیت و سبک‌های فرزندپروری ($n=400$)

صمیمیت	سبک فرزندپروری
۰/۰۵	بی‌اعتنا
۰/۰۷	مستبد
۰/۰۶	سهل‌گیر
**۰/۱۶	مقتدر

** $p < .01$

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری مقتدر و صمیمیت رابطه مثبت و معنی دار در سطح ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد اما بین سایر سبک‌های فرزند پروری (بی‌اعتنا، مستبد و سهل‌گیر) و صمیمیت رابطه معنی داری وجود نداشت.

جدول ۳

نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش بینی صمیمیت در دانشجویان

گام	پیش بینی کننده	R	R ²	Adjusted R ²	P	F(df)	Beta	T	Durbin-Watson
۱	سبک فرزندپروری مقتدر	۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۰۲	<۰/۰۱	۱۰/۹۲	۰/۱۶	۳/۳۰	۱/۹۷

نتایج رگرسیون گام به گام در **جدول ۳** برای پیش بینی صمیمیت نشان می‌دهد که در گام اول متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه توانسته است ۰/۰۲ صمیمیت را پیش بینی می‌کند. ضریب استاندارد بتا نشان می‌دهد چنان که نمره شیوه ی فرزندپروری مقتدرانه یک نمره تغییر کند، صمیمیت نیز به میزان ۰/۱۶ تغییر می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری



نتایج توصیفی نشان داد که دختران هم در زمینه بخشودگی و هم صمیمیت نمره بالاتر از پسران داشته‌اند. این امر به دلیل تفاوت عاطفی دختران قابل توجه است. اما این که میزان سهل‌گیری خانواده نسبت به فرزندان دختر نیز بیشتر از پسران است قابل تأمل است. این امر می‌تواند به دلیل تفاوت انتظار دختران و پسران از سهل‌گیری خانواده قابل تفسیر باشد.

نتایج پژوهش در مورد سؤال اول نشان می‌دهد که از بین شیوه‌های فرزندپروری والدین تنها میان شیوهی مقتدرانه و صمیمیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد یعنی با افزایش استفاده والدین از شیوهی مقتدرانه وجود ویژگی صمیمیت در فرزندان افزایش پیدا می‌کند اما بین سایر شیوه‌های فرزندپروری (مستبدانه، سهل‌گیر و بی‌اعتنا) و صمیمیت رابطه‌ای یافت نشد.

بر اساس یافته‌های بامریند (۱۹۹۱) این گونه می‌توان استنباط کرد، که والدین قاطع بچه‌هایی دارند که اغلب سازگار هستند خشرو، و خونگرم و اجتماعی می‌شوند. از طرف دیگر رابطه بین سایر شیوه‌های فرزندپروری (مستبدانه، سهل‌گیر و بی‌اعتنا) و صمیمیت رد شده است. در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که دادن آزادی مطلق به فرزندان یا اجرای قوانین سخت و یا کاملاً بی‌تفاوت بودن نسبت به آن‌ها تاثیری بر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها در نوجوانی و یا جوانی نخواهد داشت (Baumrind, 1991).

نتایج حاصل از این پژوهش با بسیاری از یافته‌های پژوهشی در زمینه‌ی سبک تربیتی مقتدر (Abdullah & Salim, 2020; Assad; Zadeh et al., 2018; Auriemma et al., 2021; Baumrind, 1991; Bilač et al., 2024; Charalampous et al., 2018; Clauser et al., 2020; Shokoochi Yekta & D'Rozario & Pilkington, 2022; Gimenez-Serrano et al., 2022; Lisa & Green, 2012; Malek et al., 2022; Motamed Yeganeh, 2024; Tussey et al., 2021) همخوانی دارد. نتیجه‌ی حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی فوق، در قسمت دوم نبود رابطه‌ی معنی‌دار بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و بی‌اعتنا را با صمیمیت فرزندان نشان داده است و فرضیه تایید نشد. که با نتایج تحقیقات (Baumrind, 1991; Bilač et al., 2024; Clauser et al., 2020; Gimenez-Serrano et al., 2022) که نشان دادند شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه احتمال بروز رفتارهای ضداجتماعی را افزایش می‌دهد، همخوانی نداشت. همچنین با نتیجه تحقیقات دیگری که نشان دادند که رفتارهای ضداجتماعی در اثر شیوه‌های فرزندپروری استبدادی و یا سهل‌گیرانه والدین افزایش می‌یابند، همخوانی ندارد (Tussey et al., 2021). نتایج پژوهش در مورد سؤال دوم نشان می‌دهد که بین هیچ کدام از شیوه‌های تربیتی (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیر و بی‌اعتنا) والدین و بخشودگی فرزندان رابطه‌ای وجود ندارد. این گونه می‌توان استنباط کرد که اعمال هر کدام از سبک‌های تربیتی نمی‌تواند بر متغیر بخشودگی در فرزندان اثرگذار باشد. به طور خلاصه، اگر والدین نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان را با اقتدار (پذیرش و محدودیت با احترام) برآورده کنند آنان دنیای پیرامون خود را با ارزش می‌بینند و حس (تعهد) در آن‌ها شکل می‌گیرد. اگر به آن‌ها امکان ابراز وجود بدهند و فرزندان احساس کنند که در حل مسایل قابلیت و شایستگی کافی و بر محیط خود تسلط دارند، حس (کنترل) در آن‌ها به وجود می‌آید. در نهایت وقتی والدین به فرزندان بیاموزند که تجربه‌های متنوع در زندگی با ارزش است حس (چالش‌طلبی) در آن‌ها بروز می‌کند (Harrison, 2012; Millings et al., 2013; Yektaparast et al., 2023).

در نهایت بهترین شیوه‌ای که والدین می‌توانند در تعامل با فرزندان در همه ابعاد رفتاری و اخلاقی به کار گیرند شیوه دموکراتیک یا اقتدار منطقی می‌باشد که هم والدین کنترل معقولی را بر فرزندان اعمال می‌کنند و هم والدین نقش حمایتی و هدایتی خود را در آنان اعمال می‌کنند که این به طور مستقیم باعث ایجاد و پرورش سازه‌های شخصیتی از قبیل خود پنداره مثبت، عزت نفس بالاتر و ویژگی‌هایی چون صمیمیت در کودک خواهد شد.

از محدودیت‌های این پژوهش عبارت است از این که جامعه آماری منحصر به دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام شده است لذا در تعمیم نتایج آن به سایر دانشگاه‌های سایر شهرهای کشور باید جانب احتیاط را رعایت کرد.



بنابراین با توجه به یافته‌های این تحقیق که شیوه فرزند پروری ادراک شده مقتدرانه در شکل‌گیری ویژگی صمیمیت سهم بسزایی دارد، لذا به والدین توصیه می‌شود با در نظر گرفتن ادراک و فهم فرزندان خویش، از سبک‌های فرزند پروری، با اعمال شیوه تربیتی دموکراتیک و مقتدرانه موجب ایجاد ویژگی‌های شخصیتی مثبتی مانند صمیمیت در فرزندان خود شوند و از اعمال شیوه‌های دیکتاتوری، هرج و مرج سهل انگاری و ازاد گذاری خود داری نمایند. همچنین برای آشنایی بیشتر والدین با شیوه‌ی تربیتی مقتدرانه تمام مدارس با توجه به امکانات و تسهیلات خود، جلسات مشاوره خانوادگی با حضور والدین، معلمان و کارشناسان امر تعلیم و تربیت و متخصصان روان شناسی کودک تشکیل دهند تا بدین وسیله والدین را از اثرات مثبت و مزایای شیوه‌ی تربیتی مقتدرانه آگاه ساخته و آنان را تشویق کنند تا ضمن برقراری ارتباط گرم و عاطفی با فرزندان‌شان از آنان انتظار منطقی و عاقلانه داشته باشند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

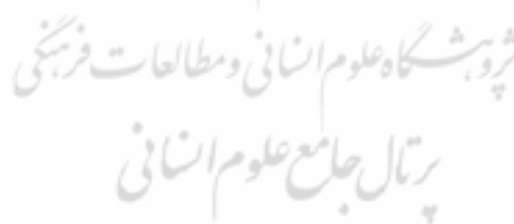
در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.



References

- Abdullah, S. H., & Salim, R. M. A. (2020). Parenting Style and Empathy in Children: The Mediating Role of Family Communication Patterns. *Humanitas Indonesian Psychological Journal*. <https://doi.org/10.26555/humanitas.v17i1.13126>
- Ariapooran, S., Hajimoradi, Razieh. (2021). The Role of Spirituality Well-being, Forgiveness, and Marital Self-Disclosure in Internet Infidelity in Couples: A Survey Study. *Family Counseling and Psychotherapy*, 11(1), 1-34. <https://doi.org/10.22034/fcp.2021.61960>
- Assad Zadeh, H., Majdian, V., Azadi, A., Bastami, M., & Bastami, A. (2018). Examine the Relationship between Perceived Parenting Styles with Self-Regulation School Students [Paramedical]. *Iranian Journal of Nursing Research*, 13(4), 9-15. <http://ijnr.ir/article-1-2034-en.html>
- Auriemma, D. L., Ding, Y., Chun, Z., Rabinowitz, M., Shen, Y., & Lantier-Galatas, K. (2021). Parenting Stress in Parents of Children With Learning Disabilities: Effects of Cognitions and Coping Styles. *Learning Disabilities Research and Practice*. <https://doi.org/10.1111/ldrp.12265>
- Baumrind, D. (1991). The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Substance Use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95. <https://doi.org/10.1177/02724316911111004>



- Bilač, S., Öztop, F., Kutuk, Y., & Karadag, M. (2024). Cultural Narratives and Their Impact on Family Mental Health. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(2), 18-24. <https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.2.2.4>
- ÇELİK, E., ÇELİK, B., YavaŞ, Ş., & SÜLER, M. (2022). Investigation of Marital Satisfaction in terms of Proactive Personality, Meaning in Life, Offense-Specific Forgiveness. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 9(1), 1-11. <https://doi.org/10.52380/ijpes.2022.9.1.348>
- Charalampous, K., Demetriou, C., Tricha, L., Ioannou, M., Georgiou, S., Nikiforou, M., & Stavrinides, P. (2018). The effect of parental style on bullying and cyber bullying behaviors and the mediating role of peer attachment relationships: A longitudinal study. *J Adolesc*, 64, 109-123. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2018.02.003>
- Clauser, P., Ding, Y., Chen, E. C., Cho, S.-J., Wang, C., & Hwang, J. (2020). Parenting styles, parenting stress, and behavioral outcomes in children with autism. *School Psychology International*, 42(1), 33-56. <https://doi.org/10.1177/0143034320971675>
- D'Rozario, A. B., & Pilkington, P. D. (2022). Parental separation or divorce and adulthood attachment: The mediating role of the Abandonment schema. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 29(2), 664-675. <https://doi.org/10.1002/cpp.2659>
- Gimenez-Serrano, S., Garcia, F., & Garcia, O. F. (2022). Parenting styles and its relations with personal and social adjustment beyond adolescence: Is the current evidence enough? *European Journal of Developmental Psychology*, 19(5), 749-769. <https://doi.org/10.1080/17405629.2021.1952863>
- Harrison, T. L. (2012). *Parenting styles and self-forgiveness: Are guilt and shame mediators?* Trevecca Nazarene University. <https://search.proquest.com/openview/a8ec3e6625d843db9a4ab407fa3ebc0c/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750>
- Herawati, N., Jafari, M., & Sanders, K. (2024). The Influence of Globalization on Family Traditions and Values. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(2), 4-10. <https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.2.2.2>
- Khojastehmehr, R., Shirmardi, S., & Beshlideh, K. (2020). Psychometric properties of the Marital Virtues Profile (MVP) in an Iranian sample. *Journal of Family Psychology*, 7(2), 75-88. <https://doi.org/10.22034/ijfp.2021.247279>
- Khoshroo, T., Qorbanpoorlafmejani, A., & Boland, H. (2023). The relationship between psychological capital and family empowerment: the mediating role of meaning in life and perceived social support. *The Women and Families Cultural-Educational*, 18(63), 181-212. <https://www.sid.ir/files/server/jf/1369-264134-fa-1070306.pdf>
- Lisa, C., & Green, B. (2012). The long-term affects of parenting styles on children: a review of the research an annotated bibliography. Available from: <http://www.parenting.science.com>. <https://www.semanticscholar.org/paper/The-Long-Term-Affects-of-Parenting-Styles-on-A-of-Greene/f122e6614ae0fdfaf1f4ef7d7c43e5388d183686>
- Malek, A., Abdolmohammadi, K., Ghadiri, F., & Soltani, M. (2022). Predicting Executive Dysfunctions Based on Attachment and Parenting Styles in Students. *Psychology and Behavioral Sciences*. <https://doi.org/10.11648/j.pbs.20221101.12>
- Millings, A., Walsh, J., Hepper, E., & O'Brien, M. (2013). Good Partner, Good Parent: Responsiveness Mediates the Link Between Romantic Attachment and Parenting Style. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 39(2), 170-180. <https://doi.org/10.1177/0146167212468333>
- Minnotte, K. L., Pedersen, D., & Mannon, S. E. (2010). The emotional terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction. *The Social Science Journal*, 47(4), 747-761. <https://doi.org/10.1016/j.soscij.2010.07.011>
- Monika, D., Agnieszka, K., & Katarzyna, N. (2023). Determinants of forgiveness after experiencing infidelity in a marital relationship. *Kwartalnik Naukowy Fides et Ratio*, 54(2). <https://doi.org/10.34766/fetr.v54i2.1185>
- Najari, F., Niknam, M., & Dokaneifard, F. (2023). Comparison of the efficacy of acceptance and commitment based therapy (ACT) and schema therapy on forgiveness in women after infidelity [Research]. *Journal of Psychological Science*, 22(124), 827-843. <https://doi.org/10.52547/jps.22.124.827>
- Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2024). Influences of Family Structure and Intimacy on Emotional Divorce: A Cross-Sectional Analysis. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(1), 23-30. <https://journals.kmanpub.com/index.php/jprfc/article/view/2193>
- Parsakia, K., Farzad, V., & Rostami, M. (2023). The mediating role of attachment styles in the relationship between marital intimacy and self-differentiation in couples. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 4(1), 589-607. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.4.1.29>
- Parsakia, K., & Rostami, M. (2023). Digital Intimacy: How Technology Shapes Friendships and Romantic Relationships. *AI and Tech in Behavioral and Social Sciences*, 1(1), 27-34. <https://doi.org/10.61838/kman.aitech.1.1.5>
- Rakhshandeh, A., Doroudian, N., Nemati jahan, N., & Rostamnezhad, M. (2021). Prediction of Coronavirus anxiety based on the meaning in life and intimacy of family members among housewife mothers. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 2(5), 190-202. <https://journals.kmanpub.com/index.php/aftj/article/view/847>
- Rashidi, F., Munirpour, N., & Dukanei Fard, F. (2022). The Model of Emotional Divorce based on Differentiation with the Mediating Role of Personality Structure and Experience of Usness. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 3(2), 85-116. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.3.2.5>
- Russell, W., & Yang, Y. (2024). The Evolution of Patriarchal Structures in Contemporary Families: A Qualitative Inquiry. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(2), 25-32. <https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.2.2.5>
- Saadati, N., & Parsakia, K. (2023). The Predictive Role of Parents' Marital Relationship Quality on The Adolescents' Psychological Capital. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, 4(8), 139-146. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.4.8.16>



- Samari, S., Zarei, E., Najarpourian, S., & Mohamadi, K. (2023). Challenges and problems of remarriage couples and coping strategies of successful couples; A qualitative research. *Quarterly of Counseling Culture and Psychotherapy*, 14(53), 35-92. <https://www.magiran.com/paper/2519336>
- Shokoohi Yekta, M., & Motamed Yeganeh, N. (2024). Effects of Cognitive-Based Problem-Solving skills On Changing Parenting Styles and Reducing Parental Anger. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, 5(1), 26-35. <http://journals.kmanpub.com/index.php/aftj/article/view/1799>
- Tussey, B. E., Tyler, K. A., & Simons, L. G. (2021). Poor Parenting, Attachment Style, and Dating Violence Perpetration Among College Students. *Journal of interpersonal violence*, 36(5-6), 2097-2116. <https://doi.org/10.1177/0886260518760017>
- Vafaeinezhad, F., Koraei, A., & Pasha, R. (2023). Comparison of the Effect of Premarital Education with Selection Method and Knowledge and El Sun's Approach on Communication Beliefs of Students' Fear of Marriage. *Razi Journal of Medical Sciences*, 29(10), 193-202. <https://www.magiran.com/paper/2551461>
- Yang, J., & McDonnell, M. (2024). Social Structures and Family Systems: An Analysis of Cultural Influences. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(1), 31-41. <https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.2.1.6>
- Yektaparast, M., Asadi, S., Rahimi, M., & Haghshenas, M. (2023). The Development of the Concept of Responsibility from Adolescence to Emerging Adulthood: Considering the Relationship with Perceived Parenting Styles. *Journal of Social Continuity and Change (JSCC)*, -. <https://doi.org/10.22034/jssc.2023.19098.1045>
- Zhou, T., Luo, Y., Xiong, W., Meng, Z., Zhang, H., & Zhang, J. (2024). Problem-Solving Skills Training for Parents of Children With Chronic Health Conditions: A Systematic Review and Meta-Analysis. *JAMA Pediatrics*, 178(3), 226-236. <https://doi.org/10.1001/jamapediatrics.2023.5753>

